

حدیث به مثابه داده تاریخی: مروری بر رهیافت های محققان غربی به مسئله وثاقت احادیث اسلامی

سید علی آقایی

مقام منبعی تاریخی نادیده انگاشت. حتی برخی پا را فراتر نهاده و مدعی اند که احادیث چونان منبع و سند برای پژوهش درباره تاریخ عرب جاهلی و بررسی اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی آن دوران نیز به کار می آیند.^۱

مؤید این مدعا را می توان در خاستگاه «تاریخ نگاری»^۲ اسلامی جستجو کرد که ریشه در دانش حدیث دارد. شأن و مقام یگانه پیامبر اکرم (ص) و توصیه های قرآنی به پیروی از افعال و رفتار او، مسلمانان را به ثبت و نقل گفتار و رفتار آن حضرت ترغیب می کرد.^۳ با اینکه هدف از نقل ضبط و تدوین حدیث در آغاز تاریخ نگاری نبود و عالمان مسلمان تنها می خواستند راهنما و سرمشقی در گفتار و کردار برای امت اسلام فراهم آورند،^۴ وقتی جوامع حدیثی سامان یافتند، روشن شد که احادیث متضمن نکات و فوایدی تاریخی اند و می توان از این طریق اطلاعات تاریخی را منتقل کرد. محدثان به سیره پیامبر (ص) توجه داشتند و آن را حفظ کردند و از این رو باید آنان را نخستین مورخان اسلام به شمار آورد. سیره نویسی که بعدها یکی از انواع تاریخ نگاری اسلامی شد، از همین جا آغاز و در نتیجه سیره به بخشی از تاریخ بدل شده تا جایی که گفته می شود مهم ترین مدخل پژوهش های تاریخ صدر اسلام، سیره است که تحلیل و تفسیر تاریخ اسلام را باید

چکیده: حدیث پس از قرآن، مهم ترین منبع برای شناخت اسلام و وضعیت دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در سه قرن نخست اسلامی محسوب می شود و نمی توان ارزش آن را در مقام منبعی تاریخی نادیده انگاشت. حدیث پژوهان غربی نیز احادیث را به مثابه منبعی برای شناخت تاریخ از اسلام و بازسازی تاریخ اسلام از قبیل تاریخ وقایع، تاریخ تفسیر قرآن، تاریخ فقه، تاریخ کلام، تاریخ نهادهای دینی و ... مورد مطالعه قرار داده اند. از سوی دیگر، مسئله اصلی، «ارزش تاریخی» داده های حدیثی مربوط به سده های نخست اسلامی است. بحث از ارزش تاریخی داده های حدیثی به مسئله وثاقت احادیث پیوند می خورد که همواره موضوع مناقشه در میان محققان غربی بوده است. نویسندگان در نوشتار حاضر ابتدا مروری اجمالی بر مطالعات حدیثی در غرب دارد. سپس در ادامه، معضل منابع اسلامی در تحقیقات غربی در زمینه تشخیص منابع مستند در مقابل منابع ادبی را مورد واکاوی قرار می دهد. در نهایت، با بیان رهیافت های کنونی محققان غربی به منابع اسلامی، نوشتار خود را به پایان می رساند.

کلیدواژه: وثاقت احادیث اسلامی، حدیث شناسی، ارزش تاریخی احادیث، مطالعات حدیثی در غرب، رهیافت محققان غربی به منابع اسلامی.

حدیث نبوی مشتمل بر گفتار، رفتار و تقریر پیامبر (ص) است و موضوعات متنوعی اعم از تفسیر قرآن، فقه، کلام، اخلاق و تاریخ را شامل می شود. در حدیث انبوهی از مطالب شامل آموزه ها و احکام اسلام، رساله ها، نامه ها، قضاوت ها، مناسک و عبادات و موضوعات متنوع دیگر آمده است که بیانگر ویژگی های مختلف جامعه اسلامی است. از این رو، حدیث پس از قرآن، مهم ترین و غنی ترین منبع برای شناخت اسلام و وضعیت دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی سه قرن نخست اسلامی محسوب می شود و نمی توان ارزش آن را در

۱. برای نمونه، رک به: جواد علی؛ المفضل فی تاریخ العرب قبل الاسلام؛ ۱۰ جلد، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۴۷/۱۹۶۸، ج ۱، ص ۶۷.

2. historiography

۳. عبدالعزیز دوری؛ بحث فی نشأ علم التاريخ عند العرب؛ بیروت: دارالمشرق، ۱۹۸۳، ص ۱۸.

۴. دوری؛ نشأ علم التاريخ؛ ص ۱۹-۲۰ و کلود کائن؛ درآمدی بر تاریخ اسلام در قرون وسطی؛ ترجمه اسدالله علوی؛ مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۹۰-۱۶۲-۱۶۳.

۵. کائن، ص ۹۰.

منتسب می‌شوند. این موضوع تنها منحصر به احادیثی نیست که وقایع تاریخی را بیان می‌کنند، بلکه درباره احادیثی که به موضوعات فقهی، تفسیری، کلامی و اخلاقی می‌پردازند نیز صادق است. به بیان دیگر، دانشمندان غربی احادیث را به مثابه منبعی برای بازسازی تاریخ اسلام مورد مطالعه قرار داده‌اند: تاریخ وقایع، تاریخ تفسیر قرآن، تاریخ فقه، تاریخ کلام، تاریخ نهادهای دینی و نظایر آن.^{۱۲} بنابراین مسئله اصلی، شناسایی «ارزش تاریخی»^{۱۳} داده‌های حدیثی مربوط به سده‌های نخست اسلامی است. بحث از ارزش تاریخی داده‌های حدیثی به مسئله «وثاقت»^{۱۴} احادیث پیوند می‌خورد که همواره موضوع بحث و مناقشه در میان محققان غربی بوده است. وائل حلاق در مقاله‌ای مدعی شده است که مطالعات غربیان در باب وثاقت احادیث «عمدتاً اگر نگوئیم مطلقاً بیهوده و بی‌ثمر بوده است». به نظر او آنان با نادیده‌گرفتن مطالعات حدیثی مسلمانان خود را به یک «مسئله ساختگی»^{۱۵} مشغول داشته‌اند.^{۱۶} در مقابل، موتسکی یادآور شده است که هدف محققان غربی نه رد و اثبات دیدگاه عالمان مسلمان درباره ظنی‌الصدور یا قطعی‌الصدور بودن احادیث که بررسی میزان وثاقت احادیث به مثابه منبع تاریخی بوده است. به عبارت دیگر، قضاوت عالمان اصول فقه درباره احادیث به مثابه حجت شرعی به هیچ روی ارتباطی با مسئله رویاروی محققان غربی ندارد؛ چه آنان تنها در پی آن بوده‌اند که از این مطالب به عنوان منبع و شاهد تاریخی استفاده کنند.^{۱۷}

تاکنون در چند مطالعه مستقل گزارش‌ها و تحلیل‌هایی تفصیلی از این مسئله فراهم آمده است، گرچه در طبقه‌بندی جریان‌ها و نتایج با هم اختلاف‌هایی دارند. در تدوین این بخش به تناسب از اطلاعات و تحلیل‌های آنها بهره برده‌ام.^{۱۸} نخستین مطالعات علمی در باب

از آنجا آغاز کرد.^۶ بدین ترتیب می‌توان گفت تاریخ‌نگاری اسلامی، با آغاز کتابت حدیث مقارن بود،^۷ چنان‌که نحوه نقل و روایت حدیث و تدوین کتاب‌های حدیثی بر شیوه نقل و تدوین کتاب‌های تاریخی اثر گذاشت و به عنصری اساسی در تاریخ‌نگاری روایی تبدیل شد.^۸ به بیان دیگر، اولین نمونه‌های تاریخ‌نگاری در اسلام، آثاری هستند که بر محور شرح سیره پیامبر (ص) تألیف و در تدوین آن، اصول علم حدیث رعایت شده است.^۹

در کنار تأثیری که علم حدیث در حدیث نبوی مشتمل بر گفتار، رفتار و تقریر پیامبر (ص) است و موضوعات متنوعی اعم از تفسیر قرآن، فقه، کلام، اخلاق و تاریخ را شامل می‌شود. حدیث پس از قرآن، مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع برای شناخت اسلام و وضعیت دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی سه قرن نخست اسلامی محسوب می‌شود و نمی‌توان ارزش آن را در مقام منبعی تاریخی نادیده انگاشت.

خداشه‌ای وارد نمی‌سازد. به بیان دیگر، حتی اگر حدیثی از نظر عالمان مسلمان جعلی و در نتیجه نامعتبر انگاشته شود، همچنان حاوی اطلاعاتی ارزشمند از دوره‌ای تاریخی است که حدیث در آن دوره جعل شده است. این موضوع تنها درباره روایات تاریخی صادق نیست، بلکه قصه‌ها، اسطوره‌ها و حتی خرافات نیز برای شناسایی چارچوب فکری و ابعاد اندیشه‌ورزی دوره‌های کهن سودمندند.^{۱۱}

مروری اجمالی بر مطالعات حدیثی در غرب

خاورشناسان و حدیث‌پژوهان غربی از دیرباز حدیث را به مثابه منبعی اساسی برای شناخت تاریخی از اسلام، به ویژه سده‌های نخست هجری، حائز اهمیت دانسته‌اند و همین امر موجب شده تا آنان برای بهره‌گیری صحیح از این منبع اطلاعاتی به مداقه در ارزش تاریخی آن بپردازند. بدین معنا که این احادیث به واقع به چه دوره‌ای از تاریخ اسلام مربوطند و به لحاظ تاریخی به چه فرد یا افرادی

۶. محمد بن مسلم ابن شهاب زهری؛ المغازی النبویه؛ چاپ سهیل زکار، دمشق؛ دارالفکر، ۱۹۸۱/۱۴۰۱، مقدمه زکار، ص ۱۰، ۱۹.
۷. دوری؛ نشأه علم التاريخ؛ ص ۲۰، ۲۷-۴۸، ۵۷-۵۸ و کائن، ص ۹۰، ۱۶۲-۱۶۳.
۸. دوری؛ نشأه علم التاريخ؛ ص ۲۰.
۹. همان، ص ۶۱، ۷۶.
۱۰. در این باره رک به: بشار عواد معروف؛ «مظاهر تأثیر علم الحدیث فی علم التاريخ عند المسلمین»؛ الأعلام، سال اول، ش ۵، شعبان ۱۳۸۴، ص ۲۲-۴۱. همو، «أثر الحدیث فی نشأه التاريخ عند المسلمین»؛ همان، سال دوم، ش ۹، محرم ۱۳۸۶، ص ۱۱۶-۱۴۰.
۱۱. رک به: دوری؛ مقدمه فی تاریخ صدر الاسلام؛ بیروت؛ دارالمشرق، ۱۹۸۴، ص ۲۳-۲۶.

12. Harald Motzki, "Dating Muslim Traditions: A Survey", *Arabica* 52:2 (2005), 204.

13. historicity

14. authenticity

15. pseudo-problem

۱۶. رک به:

Wael B. Hallaq, "The Authenticity of Prophetic Hadith: a Pseudo-Problem", *Studia Islamica* (1999), 75-90.

۱۷. رک به:

Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments* (Aldershot: Ashgate, 2004), "Introduction", xxviii, note 71.

این کتاب به فارسی ترجمه و با مشخصات کتاب‌شناختی زیر منتشر شده است: هارالد موتسکی؛ حدیث اسلامی؛ خاستگاه‌ها و سیر تطور؛ به کوشش و ویرایش مرتضی کریمی‌نیا؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹. نگارنده نوشتار حاضر که‌گاه از ترجمه مقدمه و مقالات این کتاب بهره برده است. هرچند به دلیل پاره‌ای ملاحظات عملی، همه جا به اصل انگلیسی مقالات این کتاب ارجاع داده است. برای ترجمه فارسی مقدمه کتاب، رک به: هارالد موتسکی؛ «حدیث پژوهی در غرب: مقدمه‌ای در باب خاستگاه و تطور حدیث»؛ ترجمه مرتضی کریمی‌نیا؛ در موتسکی، حدیث اسلامی، ص ۱۵-۷۹.

۱۸. مشخصات کتاب‌شناختی آنها عبارت است از:

Gregor Schoeler, *Charakter und Authentie der muslimischen Überlieferung über das Leben Mohammeds* (Berlin: Walter de Gruyter GmbH & Co., 1996), 1-19; English

تاریخ اسلام در دسترس قرار گرفتند. چاپ و تصحیح منابع کهن اسلامی از جمله سیره ابن اسحاق (م. ۱۵۰)، مغازی واقدی (م. ۲۰۷)، طبقات ابن سعد (م. ۲۳۰)، فتوح البلدان بلاذری (م. ۲۷۹) و تاریخ الرسل و الملوک طبری (م. ۳۱۰) بر مبنای نسخه‌های شناخته آنها، ابزار لازم برای بررسی انتقادی تاریخ صدر اسلام را برای محققان فراهم کرد. محققان غربی تحت تأثیر «مکتب اثبات‌گرا»^{۲۸} در تاریخ‌نگاری اروپایی در مواجهه با انبوه منابع و مشاهده تعارض‌های آشکار میان منابع مختلف، به روش‌های «نقد منبع»^{۲۹} که پیش‌تر در مطالعات عهد عتیق آموخته شده بود، روی آوردند. پیش‌فرض آنها این بود که

مواد تاریخی کهن و اصیل به سبب

وقتی جوامع حدیثی سامان یافتند، روشن شد که احادیث متضمن نکات و فوایدی تاریخی‌اند و می‌توان از این طریق اطلاعات تاریخی را منتقل کرد. محدثان به سیره پیامبر (ص) توجه داشتند و آن را حفظ کردند و از این رو باید آنان را نخستین مورخان اسلام به شمار آورد. سیره‌نویسی که بعدها یکی از انواع تاریخ‌نگاری اسلامی شد.

نقل نادرست، اغراض سیاسی و

قبیله‌گرایی یا درج مجادلات کلامی

متأخر با مواد نامعتبر، آمیخته

شده‌اند. از این رو، کوشیدند با

تکیه بر روش‌های نقد منبعی

گزارش‌های معتبر را از دل این منابع

استخراج کنند. نمونه شاخص این

دست مطالعات را می‌توان در آثار

میخائیل یان دخویه^{۳۰} و یولیوس

ولهاوزن^{۳۱} مشاهده کرد. آنها میان

دو دسته از روایات تمایز قائل

شدند: روایان «مکتب مدنی» چون ابن اسحاق، واقدی و مدائنی (م. ۲۲۸) و روایان «مکتب کوفی» نظیر ابومخنف (م. ۱۵۷) و سیف بن عمر (م. حدود ۱۸۵). آنان در اغلب موارد گزارش‌های مکتب مدنی را بر مکتب عراقی ترجیح دادند. در واقع دخویه و ولهاوزن با تمایز میان «مکتب‌های تاریخ‌نگاری» بر مبنای منطقه روایان و ارزش‌گذاری بر روایات آنها، منابع خوب و بد را از هم تفکیک کرده و معیاری برای بازسازی تاریخ صدر اسلام به دست دادند.^{۳۲}

در اواخر قرن نوزدهم، محققان غربی وثاقت حدیث را به‌گونه افراطی‌تری زیر سؤال بردند و در نتیجه دیدگاه‌هایی جدید درباره خاستگاه‌ها و سیر تطور حدیث مطرح شد. ایگناتس گلدتسیهر در پژوهش جامعی که در سال ۱۸۹۰ با عنوان «درباره سیر تطور حدیث»

حدیث در قرن نوزدهم میلادی و توسط کسانی صورت گرفت که پیش از هر چیز دل مشغول تدوین سیره تاریخی - انتقادی از زندگی پیامبر (ص) بودند، چه به عقیده آنان حدیث پس از قرآن، مهم‌ترین منبع شناخت سیره پیامبر و تاریخ صدر اسلام بود. همین امر آنان را به تحقیق در وثاقت تاریخی حدیث کشانید. آنان کوشیدند با بهره‌گیری از «روش تاریخی - انتقادی»^{۱۹} که پیش‌تر در «مطالعات کتاب مقدس»^{۲۰} به‌کار گرفته و آموخته شده بود، درباره ارزش تاریخی مواد حدیثی قضاوت کنند. گوستاو وایل^{۲۱}، آلویس اشپرنگر^{۲۲}، رینهارت دوزی^{۲۳} و ویلیام میوز^{۲۴} نخستین آثار علمی در باب سیره پیامبر اکرم را بر مبنای همین رهیافت به احادیث تدوین کردند.^{۲۵} هرچند در این دوره محققان رهیافتی انتقادی و شکاکانه نسبت به منابع حدیثی اتخاذ کرده بودند؛ اما در عین حال معتقد بودند که یک ذهن نقاد، خواهد توانست آنچه واقعاً رخ داده است، بازسازی و بازشناسی کند. در واقع، این محققان وظیفه خود را نقد حدیث و تفکیک اندک احادیث اصیل^{۲۶} از میان هزاران مورد جعلی می‌دانستند.^{۲۷}

از اواسط قرن نوزدهم میلادی متون و منابع فزون‌تری برای مطالعه

trans. *The Biography of Muhammad: Nature and Authenticity*, tr. by Uwe Vagelpohl, ed. by James E. Montgomery (New York and London: Routledge, 2011), 1-19; Fred M. Donner, *Narratives of Islamic Origins: The Beginning of Islamic Historical Writing* (Princeton: The Darwin Press, 1998), 1-31; Herbert Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam: The Authenticity of Muslim Literature from the Formative Period* (Richmond, Surrey: Curzon, 2000), Chapter 2: *Hadith Criticism*; Ibn Warraq, "Studies on Muhammad and the Rise of Islam: A Critical Survey", in idem (ed.), *The Quest for the Historical Muhammad* (New York: Prometheus Books, 2000), 15-88; Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*, "Introduction"; Jonathan A.C. Brown, *Hadith: Muhammad's Legacy in the Medieval and Modern World* (Oxford: OneWorld Publications, 2009), Chapter 8: *The Authenticity Question: Western Debates over the Historical Reliability of Prophetic Traditions*.

19 Historical-Critical Method

20 Biblical Studies

21 Gustav Weil

22 Aloys Sprenger

23 Reinhart Dozy

24 William Muir

۲۵. رک به:

Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam*, 8-9, 51-2: notes 11, 12.

میوز در مقدمه مبسوطی که برای کتاب سیره محمد فراهم آورده است، پیش‌فرض‌های روش‌شناختی و نحوه مواجهه با منابع اسلامی را بیان کرده که تقریباً معزف دیدگاه محققان غربی هم‌دوره او نیز هست. رک به:

Muir, *The Life of Mahomet*, 4 vols. (London, 1858-1861), I, Chapter 1.

Ibid., liii. رک به: - Ibid., lxxxvii. نیز برای گزارشی اجمالی از دیدگاه‌های انتقادی میوز، رک به:

Ibn Warraq, "Studies on Muhammad and the Rise of Islam", 44-5; Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*, "Introduction", xiv-xviii.

۲۶. وایل، میوز و دوزی حداکثر نیمی از احادیث را اصیل می‌دانستند و فن‌کریم‌تنها چند صد حدیث را واقعی می‌شمرد. رک به:

Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*, "Introduction", xvii.

27 Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*, "Introduction", xvii.

28 Positivist School

29 Source Criticism

30 M.J. de Goeje

31 Julius Wellhausen

32 Donner, 8-11; Ibn Warraq, "Studies on Muhammad and the Rise of Islam", 44-6.

همچنین رک به:

Albrecht Noth and Lawrence I. Conrad, *The Early Arabic Historical Tradition: A Source-Critical Study*, tr. by Michael Bonner (Princeton, New Jersey: The Darwin Press, 1994), 3-4.

اسلام هنوز آمادگی پذیرش شک‌گرایی افراطی درباره وثاقت احادیث را نداشتند، چه در نهایت به بی‌اعتبار شدن منابع موجود برای شناخت تاریخ صدر اسلام و ناممکن شدن نگارش سیره تاریخی پیامبر (ص) می‌انجامید.^{۴۱} از این رو، برخی چون یوهان فوک به صراحت، شکاکیت گلدتسیهر را مردود شناختند و رهیافتی کمتر شکاکانه در برخورد با منابع اسلامی به دست دادند.^{۴۲} برخی دیگر نیز برای مهار این شکاکیت، میان روایات فقهی و تاریخی تمایز قائل شدند.^{۴۳}

در میانه قرن بیستم، یوزف شاخس نظریه گلدتسیهر درباره عدم وثاقت احادیث را پی گرفت و اظهار داشت که «اساساً هسته‌ای موثق از اطلاعات که به زمان پیامبر برسد»، وجود ندارد.^{۴۴} او در مقدمه کتاب اصول فقه اسلامی تأکید کرد که کار او مؤید نظرات گلدتسیهر بوده و در مواردی نیز پا را فراتر می‌گذارد. به ادعای او:

«بسیاری از روایات موجود در جوامع حدیثی کهن و غیر آنها، تنها پس از دوره شافعی رواج یافته‌اند. نخستین مجموعه معتابه از روایات فقهی از پیامبر از حوالی نیمه قرن دوم و در مخالفت با روایاتی نسبتاً کهن تراز صحابه یا دیگر راویان و در تقابل با «سنت جاری» مکاتب فقهی کهن پدید آمده‌اند. روایات صحابه و دیگر راویان [نیز] دستخوش فرایند رشد مشابهی شده‌اند و باید از همان منظر که درباره روایات نبوی گفته شد، بدان‌ها نگریسته شود. مطالعه سندها غالباً ما را قادر به تاریخ‌گذاری روایت می‌سازد. در سندها گرایش به رشد وارونه و انتساب به مراجع بالا و بالاتر دیده می‌شود تا اینکه به پیامبر می‌رسند. شواهد [موجود در] روایات فقهی تنها ما را به حدود سال ۱۰۰ هجری بازمی‌گرداند».^{۴۵}

زندگی نامه حضرت محمد (ص): بررسی منابع؛ ترجمه محمد تقی اکبری و عبدالله عظیمایی؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۶.

41 Motzki (ed.), *The Biography of Muhammad*, "Introduction", xii; idem, *Hadith: Origins and Developments*, "Introduction", xxi.

42 Johann Fück, "The Role of Traditionism in Islam", trans. Merlin L. Swartz, in his *Studies on Islam* (New York, 1981), 111-2; repr. in Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*, 15-6.

برای ترجمه فارسی این مقاله، رک به: یوهان فوک؛ «اهمیت حدیث‌گرایی در اسلام»؛ ترجمه احمد نمایی؛ در: موتسکی، حدیث اسلامی، ص ۸۱-۱۰۹.

43 Friedrich Schwally, "Die muhamedanischen Quellen und die neuere christliche Forchung über den Ursprung der Offenbarungen und die Entstehung des Qorānbuches", in Theodor Nöldeke, *Geschichte des Qurāns*, 2nd ed. by Friedrich Schwally, Gotthelf Bergsträsser, and Otto Pretzl (Leipzig, 1909-38), II, 146.

نیز برای ترجمه عربی این بخش، رک به: فریدریش شوالی؛ «المصادر المحمدیه والاحیاح المسیحیه الحدیثه حول أصل الآیات والسور ونشوء القرآن»؛ در تودور نلکه؛ تاریخ القرآن؛ ترجمه جورج تامر؛ هیلدسهام؛ دار نشر جورج آلمز، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۲۳.

44 Joseph Schacht, "A Revaluation of Islamic Tradition", *Journal of the Royal Asiatic Society*, 49 (1949), 146-7; repr. in Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*, 30-1.

برای ترجمه فارسی این مقاله، رک به: یوزف شاخس؛ «ارزیابی مجدد روایات اسلامی»؛ ترجمه محمدحسن محمدی مظفر دن؛ موتسکی، حدیث اسلامی، ص ۱۱۱-۱۲۴.

45 Idem, *The Origins of Muhammadan Jurisprudence* (Oxford: Oxford University

در جلد دوم کتاب مطالعات اسلامی منتشر کرد،^{۴۳} اظهار داشت که حدیث را نمی‌توان چونان منبعی تاریخی در شناخت تاریخ صدر اسلام، یعنی زمان پیامبر (ص) و صحابه به کار گرفت. به اعتقاد او حدیث تنها در شناخت مراحل بعدی گسترش اسلام به کار می‌آید، چراکه بخش اعظم احادیث در این دوره شکل گرفته است. بنابراین از نظر او احادیث منابع تاریخی به شمار می‌آیند؛ اما نه برای شناخت دوره‌ای که وانمود می‌کنند به آن دوره متعلق‌اند، بلکه تنها به کار شناخت زمان‌های متأخری

می‌آیند که در آن زمان پدید آمده‌اند.^{۴۴} این شکاکیت منحصر به گلدتسیهر نبود و معاصرانش چون مارگلیوت^{۴۵}، هانری لامنس^{۴۶} و لئونه کائانی^{۴۷} نیز ملاحظاتی مشابه درباره وثاقت احادیث طرح کردند و بخش عمده احادیث را جعلی دانستند که در دوره‌های بعد صورت‌بندی و منتشر شده‌اند.^{۴۸}

خاورشناسان و حدیث‌پژوهان غربی از دیرباز حدیث را به مثابه منبعی اساسی برای شناخت تاریخی از اسلام، به‌ویژه سده‌های نخست هجری، حائز اهمیت دانسته‌اند و همین امر موجب شده تا آنان برای بهره‌گیری صحیح از این منبع اطلاعاتی به مذاقه در ارزیابی تاریخی آن بپردازند.

مطالعات حدیثی گلدتسیهر موجب شد محققان غربی در مواجهه با احادیث نقادتر و محتاط‌تر شوند. هرچند همچنان بر آن بودند که در اصل، احادیث اصیل و دارای هسته تاریخی معتبر وجود دارد و کشف آنها وظیفه مورخان است.^{۴۹} شاهد آن کتاب‌های سیره پیامبر (ص) است که در نیمه نخست قرن بیستم منتشر شد. با اینکه مؤلفان آنها در مقدمه یا مؤخره کتاب‌های خود به اعتبار مشکوک یا متزلزل روایات سیره و مغازی اشاره کرده‌اند؛ اما کارهایشان کاملاً بر همان روایات استوار شده است.^{۵۰} به بیان دیگر، محققان علاقمند به تاریخ صدر

33 Ignaz Goldziher, *Muhammedanische Studien*, 2 vols. (Halle: Max Niemeyer, 1889-90), II, 1-274; English translation: *Muslim Studies*, tr. by C.R. Barber & S.M. Stern (London: George Allen and Unwin, 1967-1971), II, 1-251; "On the Development of the Hadith".

34 Goldziher, *Muslim Studies*, II, 19.

برای گزارش اجمالی از دیدگاه‌های حدیثی گلدتسیهر، رک به:

Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam*, 9-12; Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*, "Introduction", xviii-xxi.

همچنین برای تحلیل دیدگاه‌های گلدتسیهر درباره خاستگاه فقه اسلامی، رک به:

Motzki, *The Origins of Islamic Jurisprudence: Meccan Fiqh before the Classical Schools*, trans. by Marion H. Katz (Leiden: Brill, 2002), 10-8.

35 D.S. Margoliouth

36 Henri Lammens

37 Leone Caetani

38 Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam*, 53-4, note 53; Ibn Warraq, "Studies on Muhammad and the Rise of Islam", 46-9.

39 Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*. "Introduction", xix.

40 Motzki (ed.), *The Biography of Muhammad: The Issue of the Sources* (Leiden: Brill, 2000), "Introduction", xii.

ترجمه فارسی به‌چندان مطلوبی از این کتاب با مشخصات زیر منتشر شده است: موتسکی؛

چهار دانشمند سرشناس در این حوزه سنجدیده می‌شد: ایگناتس گلدتسیهر، یوزف شاخ، نبیه عبود و فؤاد سزگین.^{۴۴} این در حالی است که مبانی روش شناختی گلدتسیهر و شاخ از یک سو و عبود و سزگین از سوی دیگر، تفاوتی بنیادین داشتند. گلدتسیهر و شاخ در اصالت احادیث نبوی تردید داشتند و آنها را بیشتر بازتاب تطورات اعتقادی، فقهی، سیاسی و اجتماعی در جامعه اسلامی در دوره‌های متأخرتر می‌دانستند و در مقابل، عبود و سزگین سرسختانه از وثاقت تاریخی احادیث نبوی دفاع می‌کردند. به بیان دیگر، مدافعان وثاقت تاریخی حدیث معتقد بودند که احادیث معتبرند تا وقتی خلاف آن ثابت شود و منتقدان به عکس استدلال می‌کردند. بدین ترتیب، دو پارادایم فکری متفاوت، رویاروی یکدیگر قرار گرفتند^{۴۵} و چنین به نظر می‌رسید که هیچ راهی برای آشتی دادن این دو جریان وجود ندارد.^{۴۶}

در همین دوره، رهیافت دیگری به احادیث شکل گرفت که در آن پیچیدگی‌های «سنت شفاهی»^{۴۷} مورد توجه قرار گرفت. اینکه سنت طی فرایندی طولانی شکل گرفته و دست کم برای مدتی به صورت شفاهی نقل شده و طبیعتاً تحت تأثیر مسائل سیاسی، کلامی، اجتماعی و امثال آن قرار گرفته است که در زمان وقایعی که توصیف می‌کنند، اهمیتی نداشته‌اند. در این رهیافت بخش اعظمی از سنت از نقطه نظر تاریخی محل تردید قرار گرفت، هرچند همچنان تلقی آن بود که «هسته‌ای از حقیقت تاریخی»^{۴۸} وجود دارد که میان انبوه اطلاعات سنت جای گرفته‌اند و در بسیاری موارد می‌توان با تحلیل دقیق، تحریرهای متفاوت یک حدیث قالبی اصیل و کهن از آن را شناسایی و بازبایی کرد. این رهیافت کاملاً بر بصیرت‌های حاصل از «نقد صوری»^{۴۹} و «نقد سنتی»^{۵۰} که در مطالعات عهدین شکل گرفته و توسعه یافته بودند، تکیه داشت. از محققان غربی، آلبرشت نِت این رهیافت را با استدلال‌های نظری دقیق پی گرفت.^{۵۱}

نِت ضمن نقد «نظریه مکتب‌های تاریخ‌نگاری» و لهاوزن، نشان داد که جوامع متأخر همگی بر پایه روایات یکسانی شکل گرفته‌اند

که آثارشان در چارچوب همین سنت علمی تعریف می‌شود، در کنار نام‌های دیگر محققان غربی قرار گرفته است.

54 Charles J. Adams, "Islamic Religious Tradition", in: Leonard Binder (ed.), *The Study of the Middle East* (Canada: John Wiley & Sons, 1976), 66.

55 Patricia Crone, *Roman, provincial and Islamic law: The origins of the Islamic patronate* (Cambridge University Press, Cambridge; 1987), 31.

56 Noel J. Coulson, "European Criticism of Hadith Literature", in: A.F.L. Beeston et al (eds.), *Arabic Literature to the End of Umayyad Period* (Cambridge: Cambridge University Press, 1983), 321.

57 oral tradition

58 kernel of historical fact

59 Form Criticism

60 Tradition Criticism

61 Donner, 15-6.

شاخ، نتایج پژوهش خویش در باب احادیث فقهی را به دیگر احادیث از جمله احادیث کلامی و تاریخی نیز تعمیم می‌داد.^{۴۶} او حتی کوشید نظریه خویش را بر روایات مغازی نیز تطبیق دهد.^{۴۷}

گرچه گلدتسیهر و شاخ وثاقت احادیث را زیر سؤال برده بودند و رویکردی شکاکانه نسبت به آثار حدیثی اتخاذ کرده بودند؛ اما هیچ‌گاه در روایت کلان سیره پیامبر (ص) و تاریخ صدر اسلام تردید نکردند. با این حال، شکاکیت ایشان واکنش‌هایی را از جانب محققان مسلمان در پی داشت که از میان آنها آثار نبیه عبود^{۴۸}، فؤاد سزگین^{۴۹} و یک دهه بعد، محمد مصطفی اعظمی^{۵۰} شناخته شده‌اند. استدلال‌های این گروه در برابر شکاکیت گلدتسیهر و شاخ بردو محور اصلی قرار داشت: یکی نگارش زود هنگام حدیث و دیگری قدمت و اعتبار نظام اسناد.^{۵۱} شواهد آنان نیز بیشتر از روایات شرح حالی موجود در کتاب‌های حدیثی، تراجم و رجال گرفته شده بود که در فاصله قرن سوم تا پنجم هجری نگاشته شده بودند. در واقع این محققان اعتبار منابع خویش را بدیهی فرض کرده و برخلاف رویکرد گلدتسیهر و شاخ، به ندرت خود احادیث را به محک هرگونه نقد و آزمونی می‌سپردند.^{۵۲}

بدین ترتیب، در میانه قرن بیستم حدیث پژوهی غربی^{۵۳} عموماً با آثار

Press, 1950), pp. 4-5.

برای گزارش اجمالی از دیدگاه‌های حدیثی و فقهی شاخ، رک به:

Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam*, 12-6; Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*, "Introduction", xxi-xxiv; idem, *The Origins of Islamic Jurisprudence*, 18-28.

46 Schacht, "A Reevaluation of Islamic Tradition", 148-51.

47 Idem, "On Mūsā b. 'Uqba's *Kitāb al-Maghāzī*", *Acta Orientalia*, 21 (1953), 288-300.

48 Nabia Abbott, *Studies in Arabic Literary Papyri, II: Qur'anic Commentary and Tradition* (Chicago: University of Chicago Press, 1967), 1-83.

49 Fuat Sezgin, *Geschichte des arabischen Schrifttums* (Leiden: Brill, 1967), I:53-84;

ترجمه فارسی: تاریخ نگارش‌های عربی - جلد اول: قرآن، حدیث، تاریخ، فقه، عقاید، تصوف؛ ترجمه احمد رضا رحیمی ریسبه و دیگران: تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۷-۱۲۲.

50 Muhammad Mustafa Azami, *Studies in Early Hadith Literature* (Indianapolis: American Trust Publication, 1978);

نیز ویرایش مفصل تر آن به زبان عربی با عنوان: دراسات فی الحدیث النبوی و تاریخ تدوینہ، ریاض: مطابع جامعه ریاض، ۱۳۹۶.

Idem, *On Schacht's Origins of Muhammadan Jurisprudence* (Oxford: Oxford Centre for Islamic Studies, 1996).

51 Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam*, 18.

52 Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*, "Introduction", xxv.

برای مرور اجمالی دیدگاه‌های این محققان، رک به:

Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam*, 18-26; Motzki, *The Origins of Islamic Jurisprudence*, 35-45; idem, *Hadith: Origins and Developments*, "Introduction", xxv.

۵۳. در اینجا، تعبیر «حدیث پژوهی غربی» با تسامح به کار رفته است و همه محققانی را شامل می‌شود که در سنت علمی غرب تحصیل و تحقیق کرده و مطابق با قواعد روش شناختی و علمی غربی پژوهش کرده‌اند. بنابراین نام محققان مسلمانی چون عبود و سزگین نیز از آن رو

پیامبرشان بر سازند. بدین ترتیب، آنان معتقدند منابعی که در ظاهر اطلاعاتی درباره تاریخ صدر اسلام به دست می‌دهند، تنها بازتاب آرا و مسائل نسل‌های بعد بوده هستند. به بیان دیگر، هرآنچه درباره صدر اسلام - اعم از قرآن، سیره پیامبر و احادیث نبوی - در اختیار است، تنها «تاریخ نجات»^{۶۶} است که وضعیت مسلمانان دوره‌های بعد را بازتاب می‌دهد و به هیچ روی ارزش تاریخی ندارد.^{۶۷}

محققان این جریان، شکاکیت افراطی خویش نسبت به احادیث را «نقادی تجدیدنظرطلبانه»^{۶۸} نام نهاده‌اند. در رهیافت تجدیدنظرطلب اولاً منابع اسلامی با تکیه بر «روش‌های نقد منبع»^{۶۹} تحلیل می‌شوند. ثانیاً دیگر منابع به جای مانده از دوران کهن از جمله نگاه‌های مؤلفان غیرعربی و بقایای مادی از آن دوره، نظیر یافته‌های باستان‌شناسی، کتیبه‌شناسی و سکه‌شناسی به عنوان شواهد تاریخی لحاظ می‌شود. هر چند رهیافت اخیر به هیچ‌روی یکدست نیست و دیدگاه‌های مؤلفان مختلف درباره منشأ و خاستگاه‌های اسلام متفاوت و گاه متعارض است؛^{۷۰} اما همگی در مبانی روش‌شناختی و در نفی اعتبار تاریخی گزارش‌هایی که تنها مبتنی بر منابع اسلامی است، اتفاق نظر دارند.^{۷۱}

66. salvation history

و نیز بر این اصطلاح از مطالعات کتاب مقدس وام گرفته و درباره منابع سنت اسلامی به‌کار برده است. به گفته توماس تامسون (Thomas L. Thompson) که همین مسئله را از منظر توراتی - انجیلی بررسی کرده است: «تاریخ نجات روایتی تاریخی از حوادث ثبت شده برای بررسی مورخان نیست. تاریخ نجات اتفاق نیفتاده است، بلکه قالبی ادبی با بافت تاریخی خاص خود است.» در کاربرد و نیز، تاریخ نجات بار معنایی یهودی - مسیحی‌اش را ندارد، بلکه این اصطلاح را ناظر به آثاری به کار برده است که برای آنچه می‌توان تاریخ مقدس خواند، سند و مدرک تاریخی فراهم می‌آورند. به بیان دیگر، اصطلاح تاریخ نجات معطوف به نوع ادبی آن است نه بار کلامی‌اش. برای تفصیل بیشتر، رک به:

Andrew Rippin, "Literary Analysis of *Qur'ān*, *Tafsīr*, and *Sīra*: the Methodologies of John Wansbrough", in R.C. Martin (ed.), *Approaches to Islam in its Religious Studies* (Tucson: University of Arizona Press, 1985), 154-5;

برای ترجمه فارسی آن، رک به: اندرورپین: «تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش‌شناسی جان و نیزبرو»؛ ترجمه مرتضی کریمی‌نیا؛ پژوهش‌های قرآنی، سال ششم، ش ۲۳ - ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۹۰-۲۱۷. چاپ مجدد در: مرتضی کریمی‌نیا؛ زبان قرآن، تفسیر قرآن، مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان، تهران: هرمس، ۱۳۹۱، ص ۱۸۷-۲۱۹.

67. Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*, "Introduction", xxv-xxvi.

68. Revisionist Criticism

69. Source-Critical Methods

۷۰. طیف متنوعی در میان محققان این رهیافت قابل شناسایی است. از و نیزبرو، کرونه و کوک گرفته که همچنان تصویری مبهم از پیامبر را مبنای کار خویش قرار داده‌اند، هر چند کوشیده‌اند از اهمیت تاریخی وی بکاهند و گزارش‌های اساسی سیره نبوی را غیرتاریخی تلقی کنند تا کُرَن، نیو و اهلش که پیامبر را چهره‌ای کاملاً ساختگی دانسته‌اند. همچنین، اعتبار علمی اینان نیز یکسان نیست. برخی چون ابن وراق و زون کاری بیش از گردآوری استدلال‌های پیشینیان در رد ارزش تاریخی منابع مکتوب اسلامی انجام نداده‌اند و برخی دیگر از جمله برگ و کالدرا دلّه جدیدی که از تحقیقات خودشان برآمده، به ادبیات این رهیافت افزوده‌اند. برای تفصیل بیشتر در این باره، رک به: Schoeler, *The Biography of Muhammad*, 8-13.

۷۱. برای تفصیل بیشتر درباره پیش فرض‌های روش‌شناختی آنها، رک به: Judith Koren and Yehuda D. Nevo. "Methodological Approaches to Islamic Studies", *Der Islam* 68 (1991), 87-8; repr. in: Ibn Warrāq (ed.), *The Quest for the Historical Mohammad*, 420-21.

این مقاله دو بار به فارسی ترجمه شده است که مشخصات کتاب‌شناختی آنها چنین است: جودیت کُرَن و یهودا نیوو «رویکردهای روش‌شناختی در غرب به مطالعات اسلامی»؛ ترجمه

و از این حیث تفاوتی میان مکاتب تاریخ‌نگاری منطقه‌های مختلف وجود ندارد؛ بنابراین باید تک‌تک روایات را مورد بررسی قرار داد. به علاوه، این روایات در مسیر طولانی نقل از راویان اصلی تا جامعان احادیث، دستخوش فرایند پیچیده‌ای از تغییرات و اصلاحات، اعم از تفصیل و تلخیص، حذف و اضافه و دخل و تصرف‌های این‌چنینی شده‌اند.^{۶۲} بنابراین آنچه اکنون از طریق جوامع متأخر در اختیار ماست، به هیچ‌روی بیانگر گزارش اصیل روایت نیست و تغییرات ایجاد شده در روایت را نمی‌توان به منطقه‌ای خاص، گروهی خاص یا حتی مکتبی خاص منتسب کرد. از این رو، نُت رهیافتی متفاوت به نقد منبع عرضه می‌دارد. به گفته او، باید همه روایاتی که قالب‌های مشابهی دارند، از همه جوامع

گردآوری شده و سپس مجموعه این روایات، در کنار هم بررسی و ارزیابی شوند. در ضمن این فرایند، «قالب‌ها»^{۶۳}، «مضامین مکرر»^{۶۴} و «کلیشه‌ها» که زمینه‌های پنهان تغییرات و تحریفات در روایات بوده‌اند، نیز آشکار می‌شوند. با این حال، نُت تأکید می‌کند که اگر در سنت اسلامی با دقت تحقیق شود،

«داده‌های معتبر تاریخی» برای شناخت تاریخ صدر اسلام فراهم خواهد آمد.^{۶۵}

از دهه ۷۰ میلادی به بعد، مطالعاتی منتشر شد که مؤلفان آنها در پی پیاده‌سازی کامل و منسجم «روش تاریخی - انتقادی»، بر تاریخ صدر اسلام برآمدند. به باور آنان، مورخ باید نسبت به منابعی که آشکارا جانبدارانه هستند، رویکردی شکاکانه اتخاذ کرده و تنها به شواهد کهن و مستند اعتماد کند. این درحالی است که تاریخ حیات پیامبر اکرم و جامعه صدر اسلام تنها توسط مسلمانان بازگو شده است و منابع متنی موجود نیز قریب به دویست سال با وفات وی فاصله دارند و این فاصله زمانی فرصت کافی برای محدثان و مورخان مسلمان که قطعاً بی‌طرف نبوده‌اند، فراهم آورده تا میراثی را که می‌خواهند برای

۶۲. او این فرایند را «تحریف» (falsification) نامیده است؛ اما در ادامه توضیح داده است که این اصطلاح ناظر به نتیجه عملکرد راویان است، نه نیست و انگیزه‌های آنان. به گفته او: «این بدان معنا نیست که راویان و مؤلفان به عمد و حساب شده مشغول ساختن روایاتی نادرست یا غلط‌انداز درباره وقایع گذشته بوده‌اند، بلکه برعکس تأکید بر آن است که حاصل روش‌هایی که آنها برای نقل مطالبشان به‌کار بسته‌اند، ارائه تصویری از وقایع تاریخی بوده است که بسیار تحریف شده یا حتی کاملاً نادرست است»؛ 6. Noth/Conrad. شولر که از رهیافتی مشابه برای تحلیل احادیث استفاده می‌کند، تعبیر «اصلاح/تغییر» (modification) را برای بیان این مفهوم ترجیح داده است. رک به: Schoeler, *The Biography of Muhammad*, 4, 141 note 36.

63. forms

64. *topoi*

65. Noth/Conrad, 1-25.

می‌کنند و تنها زمانی درباره یک روایت داوری می‌کنند که آن را به دقت بررسی کرده باشند. به باور آنان، تا زمانی که احادیث و جوامع حدیثی با شیوه نقد منبع، تحلیل نشده باشد، نمی‌توان در باب خاستگاه آنها قضاوتی کلی کرد.^{۷۵}

معضل منابع اسلامی در تحقیقات غربی:

منابع مستند در مقابل منابع ادبی

سده نخست تاریخ اسلام دوره‌ای بسیار مهم و در عین حال مسئله‌دار است. شناسایی وقایع این دوران برای دریافت فهمی درست از اسلام و شناختی دقیق از سیر تطوّر آن در دوره‌های بعد ضروری است؛ اما بر مبنای اصول پژوهش تاریخی نوین، دستیابی به اطلاعات تاریخی از این دوران امری دشوار است؛ زیرا منابع این دوره مسئله دارند. منابع تاریخ اسلام را به طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: «منابع مستند»^{۷۶} و «منابع ادبی»^{۷۷}. مراد از «منابع مستند»، شواهد عینی و فیزیکی معاصر با صدر اسلام اعم از کتیبه‌ها، سکه‌ها، شواهد باستان‌شناختی یا پاپیروس‌های اصیل است که به دلیل ماهیت عینی‌شان حاوی داده‌های تاریخی انکارناپذیرند و چنانچه به دقت تاریخ‌گذاری شوند، اطلاعات روشن و ارزشمندی از تاریخ مربوط به دست می‌دهند که کمتر قابل مناقشه خواهد بود. این دست منابع

به ندرت در اختیارند و در آنچه

هست نیز مهم‌ترین شخصیت‌ها و

وقایع صدر اسلام غایب‌اند. در واقع،

تصویری که امروز از صدر اسلام در

اختیار است، تنها برگزیده‌ها و

وقایع نگاری‌های مکتوب که در

سنت اسلامی شکل گرفته‌اند،

استوار شده است که قرآن، جوامع

حدیثی، تواریخ، دیوان‌های اشعار،

رساله‌های کلامی، آثار ادبی و دیگر

مواد مکتوب را شامل می‌شود. این

منابع گرچه در مقیاسی وسیع در اختیارند؛ اما در واقع «منابع ادبی» هستند. مراد از منابع ادبی، تنها آثار ادبی نیست، بلکه منظور هر چیز

به گفته ونزبرو سیره، «تاریخ نجات» است و نه تاریخ محض. سیره محصول زمینه‌ای جدلی است و حکایت‌های تفسیری، تمثیلی و تأویلی را به کار می‌گیرد تا متن مقدس را تاریخت بخشد و الگو سازد. به تعبیر دیگر، سیره، تفسیر است و نمی‌توان از آن برای تعیین وقایع حقیقی در طول زندگی پیامبر (ص) بهره گرفت. جان برتن نیز شکاکیت مشابهی پیش‌افکنده است، هرچند برخی نتایج وی کاملاً متناقض با دیدگاه‌های ونزبرو است. وی در مطالعه احادیث مربوط به جمع قرآن می‌گوید که همه این روایات با وجود تعارض‌ها در این توافق دارند که می‌کوشند آنچه واقعاً رخ داده مخفی سازند؛ یعنی آنها می‌کوشند بردشواری وجود نظریه نسخ همزمان با تولید متن قرآن به دست خود پیامبر، سرپوش بگذارند. افزون بر این، او اظهار می‌دارد که برخی احادیث تاریخی بیشتر تفسیری‌اند تا تاریخی. پاتریشیا کرونه نخست به همراه مارتین هایندز و سپس با مایکل کوک، عیناً یادآور شده است که تاریخ صدر اسلام در بسیاری از زمینه‌های مهم، مملو از تناقض است. آنها معتقدند که این تناقضات احتمالاً تولید نویسندگان متأخر است و از این رو برای بازسازی حوادث واقعی بی‌فایده‌اند. کوک معتقد است که هیچ معیار عینی‌ای برای تعیین وثاقت آثار اسلامی کهن در سده نخست و دوم هجری وجود ندارد. از این رو، کرونه و کوک بارها تأکید کرده‌اند که برای شناسایی حقیقت تاریخی، باید از «شواهد بیرونی»^{۷۸} اعم از اشیای باستان‌شناختی یا متون غیراسلامی، بهره برد. جرالدهاوتینگ و نورمن کالدرد نیز در پی شکاکیتی مشابه بوده‌اند و کوشیده‌اند قرائتی تجدیدنظرشده از تاریخ صدر اسلام به دست دهند.^{۷۹}

در برابر این شکاکیت افراطی، گروه دیگری از محققان غربی راهی میانه در پیش گرفته‌اند. آنان از یک سوادعای شکاکان مبنی بر اینکه «حدیث را باید جعلی دانست تا اینکه خلافش اثبات شود»، نمی‌پذیرند و از سوی دیگر مدعای مخالفان آنان را که به عکس آن اعتقاد داشتند، رد می‌کنند. محققانی که این موضع میانه را اتخاذ کرده‌اند، می‌پذیرند که احادیث دستخوش جعل و تحریف شده‌اند؛ اما در عین حال بر این باورند که با روش نقد منبع و اتخاذ سنجه‌ای مناسب می‌توان اصیل و جعلی را از هم تمییز داد و دست‌کم پاره‌ای «فکت‌های»^{۸۰} تاریخی را از احادیث استخراج کرد. بدین ترتیب، اینان از اظهار نظرهای کلی در باب وثاقت تاریخی حدیث خودداری

۷۵. برای تفصیل بیشتر در این باره، رک به:

Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam*, Ch. 2: *Hadith Criticism*, esp. pp. 26-42. Ch. 3: *Excursus: The Authenticity of the Historical Hadiths*, 106-11; Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*, "Introduction", xxvi-ix; Schoeler, "Foundations for a new biography of Muhammad: The production and evaluation of the corpus of traditions from 'Urwah b. al-Zubayr'", in: Berg (ed.) *Method and Theory in the Study of Islamic Origins* (Leiden: Brill, 2003), p. 22

برای ترجمه فارسی آن، رک به: گرگور شولر؛ «بازسازی سیره‌ای نو برای پیامبر: گردآوری و ارزیابی مجموعه روایات عروه بن زبیر»؛ ترجمه سیدعلی آقایی؛ در: عمادی حائری، ص ۲۰۳-۳۱۳.

76. documentary sources

77. literary sources

سیدرحیم راستی‌تبار؛ پژوهش و حوزه، شماره پیاپی ۳۰-۳۱، سال هشتم، شماره دوم و سوم، تابستان و پاییز ۱۳۸۶، ص ۲۵-۵۳ و «رویکردهای روشمند به مطالعات اسلامی»؛ ترجمه شادی نفیسی؛ آینه پژوهش، شماره پیاپی ۱۱۴، سال نوزدهم، شماره ششم، بهمن و اسفند ۱۳۸۷، ص ۲-۱۹.

72. external evidence

73. Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam*, 107; Schoeler, *The Biography of Muhammad*, 5, 9.

74. facts

که خلاصه آن به قرار زیر است:

الف) یک منبع مکتوب نمی‌تواند به ما بگوید که «واقعاً چه روی داده است»، بلکه تنها آن چیزی را باز می‌گوید که مؤلفش تصور می‌کند روی داده یا می‌خواسته بپذیرد که روی داده یا می‌خواسته دیگران تصور کنند، روی داده است.

ب) حتی اگر مؤلف واقعاً «آنچه واقعاً روی داده است» را نگاشته باشد، صرف همین نگاشتن؛ یعنی تقلیل آن واقعه به مجموعه‌ای از کلمات و سپس تحمیل نظم خاص - خطی و زنجیروار - بر آن که ممکن است خود حادثه توصیف شده فاقد آن باشد، به تحریف واقعیت می‌انجامد.

ج) منابع مکتوب با وعده ارائه «آنچه واقعاً روی داده است» ما را می‌فریبند. آنها با توجه ماهیتشان، نمی‌توانند «فکت‌های انکارناپذیری»^{۸۵} عرضه دارند، بلکه تنها بیانگر دیدگاه نویسنده هستند از آنچه او درباره این فکت‌ها می‌داند؛ بنابراین، اینها «آثار ادبی»^{۸۶} هستند و بررسی آنها نیز تحلیل تاریخ نیست، بلکه «نقد ادبی»^{۸۷} است.^{۸۸}

این عدم اطمینان به منابع مکتوب اسلامی، به تدریج اعتماد مورخان مدرن به تصویرسنجی از تاریخ اسلام را متزلزل ساخته است. از سوی دیگر، برخی منابع نسبتاً معاصر با ظهور اسلام وجود دارند که خارج از سنت اسلامی تولید شده‌اند. گرچه اغلب این منابع برون‌اسلامی نیز ماهیتی کاملاً مستند ندارند؛ اما گاه به سبب اینکه شواهدی مستقل از سنت اسلامی و فارغ از دیدگاه‌های سیاسی، کلامی، فرقه‌ای و نظایر آنها فراهم می‌آورند، در قیاس با منابع اسلامی حاوی اطلاعات معتبرتری درباره خاستگاه اسلام دانسته شده‌اند. پاتریشیا کرونه و مایکل کوک معتقدند که نمی‌توان تنها بر مبنای منابع اسلامی، تاریخ اسلام را بازسازی کرد. به گفته آنان «آنچه وانمود می‌شود گزارش وقایع دینی در سده نخست هجری است، تنها برای مطالعه اعتقادات دینی در سده دوم قابل استفاده است. بنابراین تنها راه برای خروج از این تنگنا آن است که به کل از سنت اسلامی خارج شویم و دوباره شروع کنیم».^{۸۹} کرونه همین دیدگاه را در کتاب دیگرش پی گرفته است: «برای بیش از یک سده چشم‌انداز تاریخ اسلام دستخوش تغییراتی چنان شدید شده است که هیئتش به کلی ویران شده است و قالبی دیگر به خود گرفته که با مضامین بیگانه درهم آمیخته و تغییر جهت

مکتوب معطوف به گذشته یا هر چیزی است که با سازوکارهای نقل ادبی منتقل شده است؛ یعنی هر «منبع مکتوبی»^{۷۸} غیر از مستندات معاصر. منابع ادبی حاوی «روایت‌ها»^{۷۹} و «گزارش‌هایی»^{۸۰} از وقایع تاریخی هستند که با فاصله زمانی نسبتاً زیاد از آن وقایع و به صورت مکتوب گزارش شده‌اند. به سبب خصلت روایی این منابع و نقش ذهنیت گزارشگر وقایع که بیشتر معاصر واقعه نیز نبوده است، در ارزش تاریخی آنها تردیدهایی جدی وجود دارد.^{۸۱}

منابع مستند تاریخ اسلام بسیار نادرند و ارزش استنادی منابع مکتوب نیز کاملاً محل مناقشه است. اولاً، این منابع، معاصر با وقایعی که روایت می‌کنند، نیستند و گاه سده‌ها بعد نگاشته شده‌اند. روشن است که بازسازی تاریخ صدر اسلام بر مبنای این مواد مکتوب، ناقض اصل اولی مورخان است که «حتی المقدور

به گفته ونزبرو سیره، «تاریخ نجات» است و نه تاریخ محض. سیره حصول زمینه‌ای جدلی است و حکایت‌های تفسیری، تخیلی و تاویلی را به کار می‌گیرد تا متن مقدس را تاریخیت بخشد و الگو سازد. به تعبیر دیگر، سیره تفسیر است و نمی‌توان از آن برای تعیین وقایع حقیقی در طول زندگی پیامبر ﷺ بهره گرفت.

باید از منابع معاصر استفاده شود». ثانیاً، بهره‌گیری از این منابع توأم با پیچیدگی‌هایی است که محقق را از تحقیق جدی باز می‌دارد. در این منابع ناسازگاری‌های تاریخی فراوانی یافت می‌شود که به تعارضاتی در فهم وقایع می‌انجامد. بسیاری از این گزارش‌ها اطلاعاتی به دست می‌دهند که از نظر تاریخی کاملاً پیریشان‌اند. در برخی دیگر شواهدی از شاخ و برگ‌های اضافی یا جعل‌های آشکار دیده می‌شود که از اغراض سیاسی، کلامی یا فرقه‌ای در پس آنها حکایت دارند.^{۸۲} گذشته از اینها، این منابع عموماً جانبدارانه نگاشته شده‌اند؛ یعنی مؤلفان این آثار قصد داشته‌اند، مبانی دین اسلام را مستند سازند.^{۸۳}

نقطه عزیمت مطالعات محققان تجدیدنظرطلب، بی‌اعتمادی به منابع مکتوب است. ونزبرو در سخنرانی خویش در سال ۱۹۸۶ اظهارات روشنی درباره مبانی روش شناختی این رهیافت ارائه کرده^{۸۴}

78 written source

79 narratives

80 reports

۸۱. تقسیم‌بندی منابع تاریخ اسلام به دو دسته «مستند» و «ادبی/روایی» و توضیحات مربوط به آن را از فرد دانر گرفته‌ام. رک به: 2. Donner. برای تفصیل بیشتر درباره ماهیت نامستند منابع ادبی، رک به:

Emilio Gabba, "Literature", in Michael Crawford (ed.), *Sources for Ancient History* (Cambridge: Cambridge University Press, 1983), 1ff.

82 Donner, 4.

83 Rippin, "Literary Analysis of *Qurā'n*, *Tafsīr*, and *Sīra*", 152.

84 John Wansbrough, "Res Ipsa Loquitur: History and Mimesis", in: *Albert Einstein Memorial Lectures* (Jerusalem: The Israel Academy of Science and Humanities, 1987); repr in: Berg (ed.), *Method and Theory in the Study of Islamic Origins*, 3-19.

85 hard facts

86 literature

87 Literary Criticism

۸۸. برای تفصیل بیشتر، رک به: 6-422, Koren and Nevo.

89 Patricia Crone and Michael Cook, *Hagarism: The Making of the Islamic World* (Cambridge: Cambridge University Press, 1977), 3.

صدر اسلام و به تبع آن مسئله وثاقت احادیث به دو دسته «سننی» / «خوشبینانه»^{۹۶} و «تجدید نظر طلبانه» / «شکاکانه»^{۹۷} تقسیم شدنی است.^{۹۸} «تجدید نظر طلبان» / «شکاکان» معتقدند منابعی که ظاهراً اطلاعاتی درباره تاریخ صدر اسلام به دست می‌دهند، تنها بازتاب آرا و مسائل نسل‌های بعد بوده است. بدین ترتیب، هرآنچه گمان می‌رود درباره صدر اسلام می‌دانیم همگی «تاریخ نجات» هستند که وضعیت مسلمانان دوره‌های بعد را بازتاب می‌دهند و به هیچ روی ارزش تاریخی ندارند. تاریخ نجات با قالبی ادبی به دست ما رسیده و باید با ابزاری متناسب با آن، یعنی «تحلیل ادبی»، آن را بررسی کرد. آثار ادبی «تاریخ نجات» هرچند خود را معاصر با زمان وقوع حوادث ثبت شده نشان می‌دهند؛ اما در واقع بسیار متأخرتر از آن حوادث‌اند و این حاکی از آن است که آن گزارش‌ها را مطابق با اندیشه‌ها و دیدگاه‌های دوره‌های بعد نوشته‌اند تا با اغراض و مقاصد آن عصر مطابق افتند. تاریخ واقعی، یعنی «آنچه واقعاً روی داده است»، جملگی با تفسیر و تأویل متأخر درآمخته و اگر نگوئیم به کلی، تقریباً از آن تفکیک ناپذیر است. بنابراین، برفرض که حوادث تاریخی مستقلاً وجود داشته و هسته اصلی نقل و گزارش این آثار باشند، تعیین دقیق و استخراج آن اطلاعات تاریخی در بیشتر موارد ناممکن است.

96 Traditionalist/Sanguine Approach

97 Revisionist/Skeptical Approach

98. برای تفصیل بیشتر درباره این تقسیم‌بندی و بررسی دقیق‌تر پیش‌فرض‌های روش‌شناختی هر یک از این دو دسته، رک به:

Koren and Nevo, 420-21; Berg, "Competing paradigms in the Study of Islamic Origins:

Qur'ān 15: 89-91 and the Value of *Isnāds*", in idem (ed.), *Method and Theory in the Study of Islamic Origins*, 262, 275; Schoeler, *The Biography of Muhammad*, 8-9.

به گفته هربرت برگ تقسیم‌بندی رهیافت‌های محققان غربی به منابع اسلامی به «سننی» و «تجدید نظر طلبانه»، بیشتر ناظر به نتایج روش‌های محققان غربی است، در حالی که تقسیم‌بندی «خوشبینانه» و «شکاکانه» به رویکرد غالب در میان محققان این دو دسته نظر دارد. البته او اذعان می‌کند که تقسیم‌بندی اخیر اندکی ابهام دارد. به گفته او، «محققان شکاک» افزون بر «تجدید نظر طلبانی» چون ونزبرو، گلدتسیهرو و شاخاوت را هم در برمی‌گیرد؛ زیرا گرچه آنها برخی احادیث را اصیل می‌دانستند؛ اما با توجه به معیارهای دوره خودشان شکاکانی افراطی به‌شمار می‌آمدند. از سوی دیگر، یادآور می‌شود که مراد از وصف «خوشبین» برای محققان گروه رقیب این نیست که آنها «انتقادی» و حتی «شکاک» نیستند. از این رو، آنها را از محققان «اسنادگرا» (ascriptionist) چون سرگین، متمایز می‌داند. بنابراین وصف «خوشبین» ناظر به کسانی است که همچنان خوشبین‌اند که می‌توان از منابع موجود آنچه واقعاً روی داده است، استخراج کرد. با این حال، او معتقد است که محققان «خوشبین» از حیث روش‌ها و نتایج به محققان مسلمان و اسنادگرا چون سرگین نزدیک‌ترند تا محققان شکاک. از این رو او در اینکه واقعاً رهیافت میانه‌ای وجود داشته باشد، تردید دارد. رک به:

Berg, "Competing paradigms in the Study of Islamic Origins", 261, note 4.

باید توجه داشت که این تقسیم‌بندی و نام‌گذاری آنها را محققان شکاک انجام داده‌اند. در واقع، «سننی» یا «خوشبین» نامیدن محققان رقیب، کنایه از ساده‌لوحی آنان است و به همین دلیل این تقسیم‌بندی و برجسب‌های «شکاک»، «سننی» و «خوشبین» مقبول محققان میانه‌رو نیست. برای نمونه، رک به انتقادات موتسکی و شولدرن:

Motzki, "The Question of the Authenticity of Muslim Tradition reconsidered: A Review Article", in Berg (ed.), *Method and Theory in the Study of Islamic Origins*, 257; Schoeler, *The Biography of Muhammad*, 144, note 108.

داده است». ^{۹۹} به نظر کرونه، نمونه‌های اندکی از شواهد قابل اعتماد در این چشم‌انداز به جای مانده است. ^{۱۰۱} تلاش کرونه و کوک بر آن بود که با بهره‌گیری از منابع مکتوب کهن که غیرمسلمانان نگاشته‌اند، تاریخ اسلام را بازنویسی کنند. ^{۱۰۲} بدیهی است که این روایت کاملاً با گزارش‌هایی که از آثار حدیثی مسلمانان درباره حیات و آموزه‌های پیامبر (ص) به دست می‌آید، متفاوت بود. بدین ترتیب، تاریخ اسلام چنان‌که در هاجریسم ترسیم شد، روایتی از گذشته به دست می‌داد که با دیدگاه‌های متعارف، بسیار ناسازگار بود و تقریباً نزد همگان مردود دانسته شد. ^{۱۰۳}

با توجه به مسئله داربودن منابع سننی اسلامی، لحاظ کردن اطلاعات منابع برون‌اسلامی برای روشن‌تر شدن موضوع، امری طبیعی به نظر می‌رسد؛ اما تلاش‌های صورت‌گرفته در این زمینه در شفاف‌سازی ابهامات مربوط به تاریخ صدر اسلام چندان کارساز نبوده است؛ زیرا اغلب منابع غیراسلامی که اطلاعات فراوانی درباره خاستگاه اسلام دربردارند، نه معاصر با وقایع هستند و نه در آنچه می‌گویند، انسجام دارند. به علاوه، آنها نیز غالباً تحت حمایت نیروهای سیاسی و مذهبی تألیف شده‌اند که معلوم نیست تا چه اندازه بر نحوه ترسیم وقایع اسلامی اثرگذار بوده است. ^{۱۰۴}

بنابراین آنچه گفته شد، معضل منابع، دشواری اساسی بر سر راه بازسازی تاریخ صدر اسلام است. چراکه از یک سو، بدون نقادی منابع، دستیابی به آنچه در پژوهش تاریخی مدرن معتبر دانسته می‌شود، میسر نیست و از سوی دیگر، وقتی متون و منابع کهن اسلامی به محک نقادی سپرده می‌شود، محقق از تدوین سیره پیامبر (ص) عاجز می‌ماند. بدین ترتیب، برخی بر این عقیده‌اند که پرسش از اصالت منابع اسلامی و تحقیق در باب تاریخ صدر اسلام آشکارا به بن بست رسیده است. ^{۱۰۵}

رهیافت‌های کنونی محققان غربی به منابع اسلامی

در حال حاضر، رهیافت‌های غالب نزد محققان غربی به منابع تاریخی

90 Crone, *Slaves on Horses* (Cambridge: Cambridge University Press, 1980), 6.

91 Ibid., 7.

92. البته این تلاش نخستین گام در این زمینه نبود و می‌توان سابقه آن را در مطالعات غربی پیشین رهگیری کرد. برای نمونه، نگاه کنید به: 2, note 2. Donner.

93. برای انتقاد ونزبرو از این رهیافت و طرح اشکال روش‌شناختی آن، رک به:

Wansbrough, *The Sectarian Milieu: Content and Composition of Islamic Salvation History* (Oxford: Oxford University Press, 1978), 116-7. See also idem, "Review of *Hagarism: the Making of Islamic World*, by Patricia Crone and Michael Cook", in *Bulletin of School of Oriental and African Studies (BSOAS)*, 41 (1978), 155-6.

کرونه و کوک در مصاحبه‌های مطبوعاتی جداگانه‌ای در سال ۲۰۰۶ اظهار داشتند که فرضیه اصلی در کتاب هاجریسم درست نبوده است. رک به: <http://baltimorechronicle.com/2006/042606AliKhan.shtml>

Donner, 2... 94

95 Motzki (ed.), *The Biography of Muhammad*, "Introduction", xiv; Schoeler, "Foundations for a new biography of Muhammad", 21.

به گفته ریپین:

... ما نمی‌دانیم و شاید هیچ‌گاه نتوانیم دریابیم که واقعاً چه روی داده است. همه آنچه مقدور ماست این است که بر مبنای آنچه در تاریخ نجات ثبت شده است، دریابیم به باور نسل‌های متأخر چه اتفاقی افتاده است. تحلیل ادبی چنین منابعی بر ما آشکار می‌کند که آن مردم با چه مؤلفه‌ها و عناصری گزارش‌های خود را تولید می‌کردند و دقیقاً نشان می‌دهد که آنان از چه سخن می‌گفته‌اند؛ اما تحلیل ادبی به ما نخواهد گفت که واقعاً چه رخ داده است.⁹⁹

نتیجه این رهیافت آن است که محققان از پرسش درباره «آنچه واقعاً رخ داده است»، پرهیز دارند. وزیرو در مقدمه کتاب محیط فرقه‌ای تصریح می‌کند که هدف او «نه بازسازی تاریخی، که تحلیل منابع است». به گفته او، این تحلیل «سبک‌شناسانه است و نتایج تاریخی قطعی ندارد».¹⁰⁰

در مقابل، محققان سنتی/خوشبین کسانی هستند که تا اندازه‌ای برای منابع اسلامی ارزش تاریخی قائل می‌شوند، هر چند می‌پذیرند که این منابع در فرایند نقل دستخوش تغییراتی نیز شده‌اند. اینان تصویر کلی از تاریخ صدر اسلام را چنان‌که در منابع اسلامی ترسیم می‌شود، از نظر تاریخی درست می‌دانند و معتقدند که از میان انبوه روایات رسیده، می‌توان به «هسته‌ای تاریخی» دست یافت. بدین منظور، آنها همه تحریرهای موجود از یک روایت را گردآورده و متون و سندهای آنها را به دقت بررسی می‌کنند تا سیر تطور حدیث را بازسازی کنند. به باور این محققان، با مقایسه اطلاعات موجود در سندها و متون تحریرهای مختلف یک روایت، می‌توان مطالب اصیل، تحریف شده یا جعلی را شناسایی کرد. در این فرایند، تحریفات و تصحیفاتی که در متن روایت اعمال شده و نیز تدلیس‌ها و جعل‌سندها، آشکار می‌شود و در بسیاری موارد می‌توان «متن اصلی»¹⁰¹ را که قدمتش به زمان پیامبر (ص) یا صحابه‌اش می‌رسد، بازسازی کرد. بدین ترتیب، وثاقت حدیث هم ثابت می‌شود.

به گفته شولر:

«مراد من از «وثاقت» آن نیست که وقایع لزوماً به همان شکلی که در روایات ترسیم شده، رخ داده‌اند، چراکه باید شکاف زمانی ۳۰ تا ۶۰ ساله، میان کهن‌ترین روایات و وقایع گزارش شده و نیز تحریف‌هایی که در فرایند نقل ایجاد شده‌اند، لحاظ کرد؛ اما به‌رغم این دستکاری‌ها، می‌توان این

99 Andrew Rippin, "Literary Analysis of *Qurā'n*, *Tafsīr*, and *Sīra*", 157.

100 Wansbrough, *The Sectarian Milieu*, ix.

101 *Urtext* = original text

فرضیه را پذیرفت که این گزارش‌ها که بر روایت شاهدان عینی یا دست‌کم روایت معاصران از وقایع استوار شده‌اند، تقریباً خطوط اصلی وقایع رخ داده و شاید حتی برخی جزئیات آنها را بازتاب می‌دهند».¹⁰²

محققان رهیافت اخیر استدلال‌هایی هم در رد هم‌قطاران شاکاک خود می‌آورند. از جمله اینکه اگر سنت اسلامی در دوره‌ای متأخر به‌طور کلی تغییر ماهیت داده و بر مبنای اندیشه‌های مسلمانان بعدی شکل گرفته باشد، باید این فرض را بپذیریم که مسلمانان در توطئه‌ای بزرگ دست داشته‌اند تا آنچه را که حقیقتاً رخ داده است، پنهان دارند. اما بعید است که جعلی چنان گسترده رخ داده باشد، بی‌آنکه کسی به آن اشاره‌ای کرده باشد یا ردی از آن در تاریخ اسلام باقی مانده باشد.

به گفته ورستیخ:

«... باید نگاهی توطئه‌آمیز نسبت به سنت اسلامی داشته باشیم مبنی بر اینکه همه عالمان مسلمان در این توطئه دست داشته‌اند تا سیر واقعی حوادث را پنهان دارند. ... ممکن است در دوره‌هایی دیدگاهی به دلایل دینی، سیاسی یا اجتماعی رواج یافته و در نتیجه عموم مردم آن را پذیرفته باشند؛ اما نکته اینجا است که اگر یک تفسیر یا رأی خاص غلبه یابد، قطعاً مخالفانی هم دارد و ممکن نیست سنت به‌گونه‌ای سامان یابد که همه دیدگاه‌های مخالف منکوب شوند».¹⁰³

دائر همین استدلال را با طرح سه نقطه ضعف اصلی در رهیافت شاکاکانه تفصیل داده است. نخست اینکه با وجود مذاهب و گروه‌های رقیب در صدر اسلام، همگی درباره مشخصه‌های اصلی تاریخ اسلام توافق دارند. دوم عاملانی که فرضاً «دین رسمی استاندارد»¹⁰⁴ را خلق کرده‌اند، ناشناخته‌اند. سوم اینکه هیچ دیدگاه مخالفی با این دین رسمی باقی نمانده است که بسیار نامحتمل می‌نماید.¹⁰⁵ او سرانجام نتیجه می‌گیرد: «توطئه‌ای چنین گسترده و از آن مهم‌تر، تا این اندازه موفق، بسیار بعید است».¹⁰⁶

102 Schoeler, *The Biography of Muhammad*, 1-2.

103 V.H.M. Versteegh, *Arabic Grammar and Qur'anic Exegesis in Early Islam* (Leiden: E.J. Brill, 1993), 48.

104 standard orthodoxy

105 Donner, 27.

106 Idem, 283.

موتسکی نیز در جاهای مختلف به همین نحو استدلال کرده است. او تصریح می‌کند که «سناریوی جعل عمدی، گرچه ممکن است، ولی محتمل نیست». رک به:

Motzki, "The Prophet and the Cat: on Dating Mālik's *Muwatta'* and Legal Traditions", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 22 (1998), 63; see also idem, "The Collection of the Qur'ān: A Reconsideration of Western Views in Light of Recent Methodological Developments", *Der Islam*, 78 (2001): 27.

درباره آنها گزارش می‌دهند، بسیار نزدیکند و [بنابراین] اعتبار تاریخی آنها را نمی‌توان به‌طور پیشینی رد کرد.^{۱۱۱} اما محققان شکاک این تلاش‌ها را با این استدلال به نقد می‌کشند که ممکن است محققان میانه‌رو یا به اصطلاح آنان خوشبین، تاحدی فاصله زمانی مورد بحث را کم کرده باشند؛ اما این شکاف کاملاً پر نشده است و صرف اینکه «این متون به زمان [مورد نظر]... بسیار نزدیکند»، دلیل قانع‌کننده‌ای نیست، چراکه فاصله زمانی هنوز قریب به یک سده است. به بیان دیگر، محققان میانه‌رو همچنان نمی‌توانند با قطعیت ادعا کنند که

چیزی درباره سده نخست اسلام می‌دانند.^{۱۱۲}

در حال حاضر، رهیافت‌های غالب نزد محققان غربی به منابع تاریخ صدر اسلام و به تبع آن مسئله وثاقت احادیث به دو دسته «سننی»/«خوشبینانه» و «تجدید نظر طلبانه»/«شکاکانه» تقسیم‌شدنی است.

ریشه اختلاف این دو پارادایم هم به این پرسش معرفت‌شناختی بازمی‌گردد که آیا اساساً امکان دارد بدانیم «حقیقتاً چه چیزی رخ داده است» یا نه؟

بدین ترتیب، گرچه محققان هر جریان استدلال‌هایی به سود رهیافت خویش عرضه می‌دارند، با این حال به نظر می‌رسد هیچ‌یک از دو طرف قادر به اقناع گروه رقیب نیست. به بیان دیگر، این دو رهیافت در دو پارادایم کاملاً متفاوت و در دو مسیر تحقیقاتی موازی قرار دارند که به هیچ‌روی با هم تلاقی ندارند. محققان هر دسته با پیش‌فرض‌هایی متفاوت به تحقیق می‌پردازند،

روشی متمایز را به کار می‌بندند و نتایج خاص خود را تولید می‌کنند که هم از سازگاری درونی برخوردار است و هم پیش‌فرض‌ها و روش‌های تحقیق‌شان را تأیید می‌کند. ریشه اختلاف این دو پارادایم هم به این پرسش معرفت‌شناختی بازمی‌گردد که آیا اساساً امکان دارد بدانیم «حقیقتاً چه چیزی رخ داده است» یا نه؟^{۱۱۳}

محققان شکاک نیز تأیید می‌کنند که اگر قرار باشد بین تاریخی بودن روایات تاریخ صدر اسلام یا توطئه‌آمیزی بودن آنها انتخاب کنیم، قطعاً تاریخی بودن محتمل‌تر است.^{۱۱۴} اما مسئله آنها انتخاب میان احتمالات نیست. به گفته آنها، وقتی ثبت و ضبط روایات اسلامی در میانه سده دوم هجری آغاز شد، این امر در شرایطی صورت گرفت که مسلمانان آن دوره باور داشتند یا ناگزیر بودند باور داشته باشند که آن وقایع رخ داده است. در این حالت، باورها به «فکت‌ها» بدل شدند، چنان‌که ونزبرو می‌گوید:

«زبان گزارش تاریخی زبان داستان است. تفاوت میان این دو یک پیش‌فرض روان‌شناختی است که نویسنده و خواننده در آن هم‌نظرند و با همان پیش‌فرض است که گزارش تاریخی اهمیت می‌یابد و در خور حفظ و نقل تلقی می‌شود».^{۱۱۵}

با این بیان، اصلاً «حقایقی» وجود نداشته که بخواهد با «اکاذیب» بر آنها سرپوش گذاشته شود. احادیثی که به جای مانده‌اند، همان‌هایی هستند که جامعه مسلمانان در دوره‌ای متأخر اصیل می‌دانسته‌اند. بنابراین لازمه اجماع درباره خاستگاه اسلام آن نیست که میان مسلمانانی که از حیث زمانی و جغرافیایی اختلاف زیادی داشته‌اند، تبانی صورت گرفته باشد، بلکه این اجماع تنها با ضبط مطالبی حاصل شده است که متناسب یا موافق با تصورات عموم عالمان مسلمان در آن دوران بوده است.^{۱۱۶}

موضوع مورد مناقشه دوم به شکل‌گیری و تثبیت دیرهنگام متون اسلامی، اعم از قرآن، تفسیر و سیره بازمی‌گردد. محققان شکاک همواره به این امر استناد می‌کنند که تاریخ متون موجود به پیش از نیمه دوم سده دوم هجری نمی‌رسد. از این رو، محققان میانه‌رو کوشیده‌اند با تاریخ‌گذاری این متون در دوره‌ای کهن‌تر از این سد تاریخی عبور کنند و شکاف زمانی تقریباً دو سده‌ای را تا جایی که ممکن است، پر کنند^{۱۱۷} و بر همین مبنا ادعا می‌کنند که «این متون به زمان و افرادی که

استدلال‌هایی مشابه در رد نظریه ونزبرو درباره تاریخ صدر اسلام عرضه شده است. رک به:

William A. Graham, "Review of *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation* by John Wansbrough", *Journal of the American Oriental Society*, 100 (1980): 140; Fazlur Rahman, "Approaches to Islam in Religious Studies: Review Essay," in R.C. Martin (ed.), *Approaches to Islam in Religious Studies*, 201.

107 Berg, *The Development of Exegesis*, 211-212.

108 Wansbrough, *Sectarian Milieu*, 118-9.

109 Berg, "Competing paradigms in the Study of Islamic Origins", 283.

۱۱۰. برای نمونه این تلاش‌های می‌توان به تحقیقات کسانی چون گنورگ اشتاوت درباره هارالد موتسکی، درباره مصنف عبدالرزاق، گرگور شورلر و کیس ورستیخ درباره روایات نحوی و لغوی و میکوش مورانی درباره متون تفسیری و فقهی اشاره کرد: اشتاوت «متن اولیه» تفسیر مجاهد را در ۱۲۰ تاریخ‌گذاری می‌کند. شورلر از بررسی تفصیلی روایات مربوط به دو واقعه مهم از سیره پیامبر (بدء وحی و ماجرای افک) و بازسازی کهن‌ترین عناصر این روایات، تاریخ آنها را به سه دهه پایانی سده نخست هجری می‌رساند. مورانی بر مبنای نقل‌های مستقل و مشابه از مطالب کتاب جامع عبدالله بن وهب نتیجه‌گیری می‌کند که تاریخ آن به نیمه نخست قرن دوم می‌رسد و موتسکی با بررسی اختلافات سبک‌شناختی احادیث موجود در مصنف عبدالرزاق صنعانی

و اعمال معیارهای صوری بیرونی و درونی، نشان می‌دهد که روایات عطاء بن ابی‌ریاح تابعی (م. ۱۱۵) اصیل هستند و بدین ترتیب شکاف زمانی میان روایان احادیث و پیامبر را به یک نسل کاهش می‌دهد. مشخصات کتاب‌شناختی مطالعات پیش‌گفته به قرار زیر است:

عبدالله بن وهب؛ الجامع: تفسیر القرآن؛ چاپ میلوش مورانی، ویسبادن؛ هاراسویتز، ۱۹۹۳.

Georg Stauth, *Die Überlieferung des Korankommentars Muğāhid b. Ġabrs* (Ph.D. dissertation, Universität Gießen, 1969); Schoeler, *The Biography of Muhammad*; Versteegh, *Arabic Grammar and Qur'anic Exegesis*; Motzki, "The *Muṣannaḥ* of 'Abd al-Razzāq al-Ṣan'ānī as a Source of Authentic *ahādīth* of the First Century A.H.," *Journal of Near Eastern Studies*, 50 (1991): 1-21;

برای ترجمه فارسی این مقاله، رک به: هارالد موتسکی؛ «مصنف عبدالرزاق صنعانی منبعی برای احادیث معتبر قرن نخست هجری»؛ دن موتسکی، حدیث اسلامی، ص ۴۵۷-۴۹۵.

111 Motzki, "The *Muṣannaḥ* of 'Abd al-Razzāq al-Ṣan'ānī", 21.

112 Berg, "Competing paradigms in the Study of Islamic Origins", 286.

۱۱۳. برای تفصیل بیشتر، رک به: Ibid., 287-90.